

تهران شماره تماس: ۰۹۱۲۷۷۶۴۶۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

تجلی آیات قرآنی در سیره ی امام جواد (علیه السلام)

چکیده

تقوی الهی در همه امور زندگی و رفق و مدارا با دشمنان و احسان و بخشنده‌گی و ملاطفت با دوستان از عناصر سازنده و استوار در تحکیم پایه ها و مناسبات فردی و اجتماعی هستند. قرآن کریم در فرازهای بسیاری به تاثیر انفاق مادی و بخشش در زندگی آدمی پرداخته است. حضرت جواد (ع) مصداق عینی آیه ی "ذَرِیَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ" و بر اساس ادله ی روایی در بین امامان شیعه وجود مقدس و شگفت انگیز حضرتش با یحیی نبی (علیه السلام) و عیسی مسیح (علیه السلام) بر اساس آیات ۱۳ و ۳۰ سوره ی مریم تشبیه شده است. سیره ی فردی و اجتماعی آن جناب مصداقی از تجلی آیات اخلاقی قرآن بر اساس آیه ی ۱۲۸ سوره نحل و ۱۳۴ سوره آل عمران و ۹۰ سوره یوسف است. در این مقاله با رویکرد تاریخی، تفسیری و توصیفی به بررسی برخی جلوه های آشکار آیات قرآنی در سیره ی ابن رضا حضرت امام جواد (علیه السلام) پرداخته شده است.

کلید واژه

امام جواد، شخصیت قرآنی، اوضاع سیاسی اجتماعی، تقوی، احسان، محسنین، جود بخشش، رفق و مدارا.

مقدمه :

نهمین حجت برگزیده‌ی حق حضرت امام محمد بن علی -ابن رضا- (علیه السلام) بر اساس قول جمهور و مشهور دانشمندان در سنه ۱۹۵ قمری در مدینه دیده به جهان گشود. در ماه تولد آن جناب اختلاف نظر وجود دارد، برخی چون کلینی، (کلینی/ ۱۳۸۸/ ج ۲/ ۴۱۲) شیخ مفید، (مفید/ ۱۳۸۶/ ج ۲/ ص ۳۸۴) و شیخ طوسی (طوسی/ بی تا/ ج ۶/ ۹۰) میلاد آن حضرت را در نوزدهم یا نیمه ی ماه رمضان دانسته اند. اما در عرف فرهنگ عامه شیعه سخن ابن عیاش، نخستین کسی که تولد امام جواد (علیه السلام) را در دهم ماه رجب گزارش کرده است، شهرت یافته است. (مقدسی/ ۱۳۹۱/ ص ۴۲۰) گفتنی است بزرگانی چون نوبختی و مسعودی نیز بر تولد امام جواد (علیه السلام) در ماه رمضان تاکید کرده اند. (همان). مدت امامت آن حضرت ۱۷ سال طول کشید و بنا به قول مشهور در منابع کهن شیعه در آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ قمری با دسیسه خلیفه وقت و نزدیکانش مسموم و به شهادت رسیدند. (کلینی/ همان؛ مفید/ همان؛ نوبختی/ همان) کنیه آن حضرت ابو جعفر (کلینی/ همان) و ملقب به مرتضی، منتخب، مختار و مشهورترین القاب آن حضرت تقی و جواد است. (کلینی/ همان/ مفید/ همان/ ۴۱۵؛ فتال نیشابوری/ ۱۳۶۶/ ۳۸۸)

فتال نیشابوری می نویسد : ابراهیم بن عقبه گوید : « برای امام هادی (علیه السلام) نوشتم و پرسیدم : آیا زیارت‌مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) برتر است یا زیارت کاظمین؟ مرقوم فرمودند : زیارت امام حسین (علیه السلام) مقدم است و کاظمین زیارت دو تن دارای پاداش بزرگتری است. » (فتال نیشابوری/ همان/ ۳۹۸) (کلینی/ ۱۳۸۸/ ج ۴/ ۶۴۳) مادر گرامی آن حضرت ام ولد بود به نام سبّیکه نوبّیه که از وی به خیزران نیز یاد شده است، وی از بستگان ماریه قبطیه (مادر ابراهیم و همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)) است. (فتال نیشابوری/ همان؛ کلینی/ همان؛ طوسی/ همان) آن بانو در فضایل اخلاقی از برترین زنان عصر خویش بود. زیرا از ایشان با عنوان بهترین کنیزان یاد شده است.

بر اساس روایتی در ارشاد علی بن جعفر (علیه السلام) از امام رضا (علیه السلام) و آن جناب از امام کاظم (علیه السلام) و ایشان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت فرموده است : «بَابِ ابْنِ خَيْرَةِ الْاِمَاءِ النَّوْبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الْفَمِ، الْمُنْتَجَبَةِ الرَّحْمِ، ... ؛

پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان پسر کنیز نوبّیه (اهل نوبه) پاکیزه دهان، نجیب زهدان و... » (مفید/ ۱۳۸۷/ ۳۸۷؛ کلینی/ همان/ ج ۲/ ۴۱۳) این تعبیر بیانگر آن است که آن بانو دارای مقام تقوا و پارسایی و پاکدامنی و طاهره بودند.

یکی از دشوارترین مقاطع زندگی امامان شیعه در مقطع حکومت عباسیان در دوران امامت حضرت کاظم (علیه السلام) واقع شده است. دوران زندگانی آن حضرت به سبب وجود دشمنان و بدخواهان از بین نزدیکان آن جناب به سختی سپری شد، سرانجام ریشه های اعتقادی و انحرافی محمد بن اسماعیل بن جعفر و دشمنی های او زمینه زندانی شدن و شهادت موسی بن جعفر (علیه السلام) را به دنبال داشت. (جعفریان / ۱۳۷۹ / ۴۰۱) پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام) دو گرایش عمده به نام های قطعیه و واقفیه پدید آمد. قطعیه رحلت امام کاظم (علیه السلام) را تایید کرد و امامت حضرت رضا (علیه السلام) را پذیرفت. (شهرستانی / ۱۳۶۱ / ۱۸) اما گرایش به واقفیه به بهانه باور نداشتن به رحلت امام کاظم (علیه السلام) بر اعتقاد به امامت یا مهدویت آن حضرت باقی ماند. این باور سبب پیدایش انحراف در شیعه گردید. در تاریخ امامت همواره مقطع تغییر امام از زمینه های پیدایش اختلاف و انحراف و از نقاط بحران ساز تشیع بوده است. عواملی چون ریاست طلبی، زیاده خواهی مالی، عوام زدگی و جهل گروهی از شیعیان و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) که یا دوران امامت را پایان یافته می دانستند؛ و یا در تشخیص امام بر حق اشتباه می کردند. (کامرانیان / ۱۳۸۹ / ۵۲) دوران امامت حضرت رضا (علیه السلام) عصر ویژه ای است زیرا آن جناب در تعیین جانشین خود و امام بعدی، با مشکلاتی روبرو بود. از یک سو پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام) گروهی بر اساس انگیزه ای مادی به نام واقفیه امامت آن حضرت را انکار کردند، و از سوی دیگر آن جناب تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده بود، واحادیث رسیده از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حاکی از این بود که امامان دوازده نفرند که نه نفر از آنان از نسل امام حسین (علیه السلام) خواهند بود. فقدان فرزند برای امام رضا (علیه السلام) هم امامت آن حضرت و هم تداوم آن را زیر سوال برده بود.

شیخ مفید در ارشاد روایت می کند : حسین بن قیاما واسطی از سران واقفیه طی نامه ای به حضرت رضا (علیه السلام) نوشت: «چگونه ممکن است امام باشی در صورتی که فرزند نداری؟» و امام (علیه السلام) در پاسخ نوشت: «از کجا می دانی که من دارای فرزند نخواهم بود، سوگند به خدا، این روزها و شب ها نگذرد که خداوند پسری به من عطا می کند که حق را از باطل جدا سازد.» (مفید/ همان / ۳۸۹) در اواخر امامت حضرت رضا (علیه السلام) نیز آنچه در انتقال امامت به امام جواد (علیه السلام) امر را بر برخی دوستان و شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) مشتبّه ساخت؛ کودکی آن جناب بود. از این رو یکی از مسائلی که بعدها در مباحث کلامی مربوط به امامت، جایگاه ویژه ای یافت این بود که آیا ممکن است کسی پیش از بلوغ به مقام امامت برسد؟ (جعفریان / ۱۳۷۶ / ۴۷۲) از نظر نوبختی علت پیدایش این اختلاف این بود که شماری از دوستان اهل بیت (علیهم السلام) بلوغ را یکی از شرایط امامت می دانستند (نوبختی / ۱۳۲۵ / ۸۸) سرانجام

وجود ادله روایی و توصیه های صریح حضرت رضا (علیه السلام) و نیز برتری علمی و اخلاقی حضرت جواد (علیه السلام) امامت ایشان را نزد شیعیان ثابت کرد.

روزی در محضر امام رضا (علیه السلام) فرزندش ابوجعفر (علیه السلام) را که خردسال بود آوردند، امام (علیه السلام) فرمودند: «این مولودی است که برای شیعیان ما با برکت تر از او زاده نشده است.» (مفید/ همان/ ۳۸۹؛ کلینی/ ۱۳۷۹/ ج ۲/ ح ۹) زیرا با به دنیا آمدن آن حضرت دیگر انشعابی در شیعه به وجود نیامد، و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) از تحیر و سرگردانی رهایی یافتند.

در بعد سیاسی و فرهنگی عصر طلایی تاریخ اسلام به دوران خلافت هارون و مأمون که مقارن با امامت حضرت کاظم (علیه السلام) و حضرت رضا (علیه السلام) و در مقطعه ای از دوران امامت حضرت جواد (علیه السلام) واقع شده بود باز می گردد. در این دوران ذخائر علمی از یونان و ایران به زبان عربی ترجمه شده و علوم فراوانی در زمینه های مختلف در طب، منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات و سایر علوم وارد جامعه اسلامی شده بود. (غروی/ ۱۳۸۸/ ۲۲)

از این رو مناظرات مختلفی از حضرت رضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) در کتب روایی شیعه وارده شده است. (صدوق/ ج ۲/ باب مناظرات؛ مفید/ ۱۳۸۶/ ج ۲/ ۳۹۲)

در صلوات منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) آن حضرت درباره ی امام جواد (علیه السلام) می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَّمَ التَّقَى وَ نُورَ الْهُدَى اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مَنِ الضَّلَالَةَ وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَ أَرَشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدَى وَ زَكَّيْتَ بِهِ مَنِ تَزَكَّى؛ پروردگارا درود فرست بر محمد بن علی بن موسی که نشانه و مثل اعلای تقوی و نور هدایت است پروردگارا پس چنانکه خلق را تو به واسطه ی او از گمراهی به راه هدایت آوری و از وادی حیرت نجات دادی و هر که لایق هدایت بود به واسطه ی او ارشاد کردی و هرکس قابل تزکیه نفس بود روحش را تزکیه دادی» (قمی/ ۱۳۸۷/ ۱۰۹۰)

شخصیت قرآنی

حضرت جواد (علیه السلام) از امامان اهل بیت (علیهم السلام) و از مصادیق بارز آیه تطهیر و فی القربی و اهل ذکر و ذریه بعضها من بعض هستند. (احزاب/ ۳۳، نحل/ ۴۳، آل عمران/ ۳۰) از آن جایی که حضرت جواد (علیه السلام) در بین امامان شیعه اولین امامی است که در کودکی در منصب امامت قرار گرفتند، این امر به مردمان عصر آن جناب قابل درک نبود. زیرا فهم عموم انسان ها این است که جایگاه جانشینی در مصدر نبوت و امامت و حکومت به افراد بالغ تعلق می گیرد. عموم انسان ها در مرتبه عقل سلیم و فهم دین و عصمت از بهره اندکی برخوردارند، اما قرآن کریم در دنباله آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» می فرماید: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران/ ۳۳-۳۴)

ذریه در اصل به معنای فرزندان صغیر بوده، و سپس در مطلق اولاد چه صغیر و چه کبیر استعمال شده است و آیه ی فوق بیانگر این است که آنان ذریه ای هستند که در صفات و فضیلت جدای از هم نیستند و همه در آن صفاتی که باعث اصطافی بر عالمیان می شود مشترکند (طباطبایی/ المیزان/ پورتال انهار ۸۰۱۰) خداوند متعال برای تمایز و معرفی بندگان برگزیده خود از همان بدو تولد آثار نبوغ و رحمت خاصه خویش را در آنها ظاهر ساخته است. قرآن مجید هنگامی که از کودکی پیامبرانی چون یوسف، یحیی و عیسی سخن می گوید به ارتباط آنها به مبدأ هستی از طریق وحی و افاضاتی که به آنان می گشت نیز اشاره می کند. چنانچه در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) هنگامی که برادران آن حضرت او را در چاه انداختند می فرماید: « فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ اجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَ اوحينا اليه لَنُتَبِّئَنَّهُمْ بِامْرَءٍ هَذَا وَ هُم لَا يَشْعُرُونَ (یوسف/۱۵) ؛ پس او را بردند و هم داستان شدند تا او را در نهانخانه ی چاه نهند، و به او وحی کردیم که قطعاً [روزی] آنها را از این کارشان در حالی که نمی دانند خبرخواهی داد.»

شیخ کلینی روایت می کند شخصی به حضرت رضا (علیه السلام) گفت: ای سرور من! اگر اتفاقی پیش آمد به چه کسی باید مراجعه کرد؟ فرمود: به پسر من ابوجعفر. کسی که پرسیده بود، سن امام جواد (علیه السلام) را برای این موضوع کم می دانست. حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: خداوند عیسی بن مریم (علیه السلام) را پیامبر و فرستاده خویش و صاحب شریعت تازه ای قرار داد و سن او از سن ابوجعفر (علیه السلام) کمتر بود. (فتال نیشابوری/ ۱۳۶۶ / ۳۸۸) حضرت رضا (علیه السلام) به یکی از یاران خود به نام معمر بن خلاد فرمود: من ابوجعفر را در جای خود نشاند و جانشین خود قرار دادم، ما خاندانی هستیم که کوچکتران ما مو به مو از بزرگانمان ارث می برند. (مفید/ همان/ ج ۲/ ۳۱۸)

تجلی آیات قرآنی در سیره عملی امام جواد (علیه السلام)

سیره از «سار، یسیر، سیرا» مصدر نوعی است بر وزن «فعله»؛ سیر یعنی حرکت کردن و راه رفتن، و سیره یعنی نوع راه رفتن و حرکت کردن. در معنای سیره نوع، سلوک، منش و خصلت های اخلاقی، بینش و سبک، متد و نوع معاشرت و آداب و طریقه زندگانی را در بر می گیرد. (ربانی/ ۱۳۹۰/ ص ۱۲) و همه این معانی را می توان در معنای عملکرد و سبک و نوع رفتار نیز داشت. سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می دهد. گستره سبک زندگی عرصه ی وسیعی از رفتار آدمی با خود و خدا و خلق و سایر مخلوقات را در بر می گیرد. با مطالعه در تاریخ و سیره معصومین (علیه السلام) اصول و پایه های اساسی را می توان به دست آورد که در سراسر زندگی آنان قابل تغییر نیست، هرچند که بر اساس مصالح و یا مقتضیات زمان تفاوت هایی در سیره و سبک فردی و اجتماعی آنان به ظاهر به چشم می خورد. مانند: عبودیت خالصانه و توجه به باری تعالی، علم و آگاهی به علوم و اسرار نهانی، شجاعت و عزت

درباره پیامبرانی همچون نوح و ابراهیم و موسی و هارون و الیاس نبی (علیهم السلام) در سوره صافات به کار برده است. یکی از مصادیق بارز محسنین در قرآن یوسف صدیق (علیه السلام) است که به لحاظ دارا بودن فضایل و ملکات ذاتی در خُلق و خویش به این صفت خوانده شده است. (یوسف/۲۲-۳۶-۵۶)

واژه احسان دربردارنده ی صفت نیکی و نیکویی کردن و بخشش در صورتی زیباست، زیرا به کسی که نیکی می شود شخصیت و کرامت انسانی او نیز حفظ می شود، و رفتاری توأم با رضایت و شادی در دل او برجای می گذارد. آیه ۶۵ سوره یوسف و نحوه تصدق آن جناب به برادرانش صورتی از این عمل است. در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) آن حضرت عامل برتری خود بر سایر برادران را تقوی و بردباری و نیکوکاری دانسته است. از این رو می فرمایند: «قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۹۰) به راستی که خدا بر ما منت نهاده است، بی گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. «همچنین قرآن کریم در جای دیگری می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل/۱۲۸) بی تردید خدا با کسانی است که پارسایی کرده اند و کسانی که نیکوکارند.» از تعبیر این آیه استفاده می شود که تقوی و احسان هریک سبب مستقلی برای موهبت نصرت الهی و ابطال مکر دشمنان دین و دفع کید آنان هستند. (طباطبائی / ۱۳۸۸ / ج ۱۲ / ص ۵۳۹) مردی به حضور امام جواد (علیه السلام) رسید و عرض کرد: مرا به اندازه خودتان احسان نمایید! امام فرمود: اکنون برایم امکان ندارد. سائل عرض کرد: پس به اندازه مروت و مردانگی خودم احسان فرمائید. امام نهم (علیه السلام) به خادم خویش فرمود: دویست دینار به او بدهید. (کامرانیان/۱۳۸۹ / ۷۸ به نقل از حلیۃ الابرار/ج ۲ / ۴۰۸)

جود و بخشش

جود به معنای بخشش مال و علم و جوانمردی است (راغب/۱۳۸۵/۱۶۴) جواد به معنای سخی، بخشنده و کریم است. (طباطبائی / ۱۳۷۷/۱۲۹) مراد از صفت جود این است که بخششی که می کند از روی رحمت است و با هیچ شائبه ای توأم نیست، به این معنا که عطاکننده هیچگونه عوض و غرضی به ازای عطایش در نظر نمی گیرد. صفت جود از صفات باری تعالی است، و به بخشیدنی قبل از درخواست اطلاق می شود. سخاوت از صفات پسندیده انسان محسوب می شود، ولی سخاوت عطاکردن بعد از درخواست کردن است. واژه بخل در مقابل جود و سخاوت قرار دارد.

به اعتقاد شیعه همه معصومین مظهر اسماء حسنا ی الهی هستند، اما در ظاهر هر یک از امامان گویا خصلت بیشتر در او ظهور داشته است، و صفت جود و بخشش از همان دوران کودکی توسط امام رضا (علیه السلام) در فرزندشان نهادینه شده بود. در دوران ولایت عهدی حضرت رضا (علیه السلام) ایشان توسط نامه با امام جواد (علیه السلام) ارتباط داشتند و آن حضرت را بر تمام امور و اموال خود وکیل قرار داده بودند. در نامه ای که در متون حدیثی از حضرت رضا (علیه السلام) به امام جواد (علیه السلام) صادره شده، امام رضا (علیه السلام) تاکید به صله و بخشش به دوستان و خویشان کرده اند: «یا ابا

جعفر بلغنی أَنَّ الموالی اذا رکت اخرجوک مِنَ الباب الصَّغیر...؛ فرزندم به من خبر داده اند که چون از منزل بیرون می روی غلامانت بخل و حسادت می ورزند تا چیزی از تو به کسی نرسد. برای همین تو را از درب کوچک اندرونی بیرون می برند تا مبادا کسی از تو بهره مند گردد این نامه را به تو می نویسم، به همان حقی که بر تو دارم قَسَمَت می دهم با رفت و آمد از درب بزرگ بیرونی و عمومی رفت و آمدت را علنی و آشکار کن و هنگام خروج از خانه، درهم و دینار همراه خود بردار تا اگر کسی از تو درخواستی کرد، به او چیزی ببخشی و مردم از خیر تو بهره مند شوند و به عطایای تو خوشحال و مسرور گردند و دوستدار تو باشند... در پایان نامه امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: در بذل و بخشش مداومت کن و از فقر و تهی دستی ترسی نداشته باش.» (کافی/ج ۴/ص ۴۳) یکی از توصیفات که قرآن از بندگان شایسته پرهیزگار می کند آیه ۱۳۴ سوره آل عمران است که مصداق عینی آن را می توان در سیره زندگانی معصومین مشاهده کرد، قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» آن هایی که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خود را فروشانند و از [بدی] مردم درگذرند و خدا دوستدار نیکوکاران است.» سیره رفتاری و سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را شکل می دهد، و سخاوت و بخشندگی یکی از اصول ثابت اخلاقی امامان معصوم (علیهم السلام) است. در روایتی حضرت رضا (علیه السلام) یکی از راههای نزدیکی به خدا و بهشت و مردم را سخاوت و بخشش می داند. (صدوق/۱۳۷۲/ج ۲/۶۶۷) از احمدبن حنبل نقل شده است: با گروهی برای انجام حج به مکه می رفتیم، راهزنان راه برما بستند و اموالمان را بردند، وقتی به مدینه رسیدیم حضرت جواد (علیه السلام) را در کوچه ای ملاقات کردم و به منزل آن حضرت رفتم و داستان را به عرض امام رساندم. امام فرمان داد لباسی و پولی برایم آورد و فرمود: پول را میان همسفران خویش به همان مقدار که دزدها از آنان برده اند تقسیم کن. پس از آنکه پول ها را تقسیم کردم دریافتیم پولی که امام عطا کرده بود درست به همان اندازه ای بود که دزدها برده بودند نه کمتر و نه بیشتر. (بحارالانوار/ج ۵۰/۴۴) یکی از آثار بخشش و سخاوت جلب دوستی دوست و دشمن است که افزایش دوستان و کاهش دشمنان را به دنبال دارد. یکی از قوانین تبدیل به احسن در قرآن کریم اصل نیکی و نیکوکاری در پاسخ به بدی است. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» و نیکی و بدی یکسان نیست [بدی را] با آنچه نیکوتر است دفع کن که ناگاه [خواهی دید] همان کسی که میان تو و او دشمنی بود، چون دوستی صمیمی گشته است.» «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت/۳۴-۳۵) و این [خصلت خوب] جز به کسانی که شکیبایند عطا نشود و آن را جز کسی که دارای بهره ی بزرگ [از ایمان] است به دست نیاورد. آنچه چهره بخشش را زیبا می گرداند حقیقت ظاهری و باطنی آن است، به گونه ای که از باب حفظ کرامت انسان بیش از درخواست سائل ببخشد و به دنبال آن عوض و انتظاری به ازایش در نظر نگیرد و با منت و آزار

همراه نباشد. ضمن آنکه آنچه می بخشد از یاد ببرد، و عمل نیک خود را به دست فراموشی بسپارد. امام جواد (علیه السلام) می فرماید: زینت کرم- گشاده روی، و زینت کار خیر کردن ترک منت است. (کامرانیان/۱۳۸۹/۱۶۶) قرآن کریم نیز در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...» (بقره/۲۶۴) ای مومنان صدقات خود را با منت و آزار باطل نکنید....»

زهد و ساده زیستی

یکی از آثار پرهیزکاری در سبک زندگی فردی و اجتماعی ساده زیستی است. پیامبران و اوصیای آنان دو اصل را در زندگی خود در نظر می گرفتند: اول آنکه میان زمان پیش از بعثت و امامت و پس از آن تفاوتی در شیوه زندگیشان نبود. دوم آنکه: ریاست معنوی آنها باعث نمی شد تا روحیات آنان تغییر کند، و برخوردهای آنها در تمام دوران یکسان و آموزنده بود. (ربانی/۱۳۹۰/۷۴) امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: «زهد ده درجه است، بالاترین درجه زهد فروترین درجه ورع است و بالاترین درجه ورع، فروترین درجه یقین است و فراترین درجه یقین، فروترین درجه رضاست، و همانا که زهد در آیه ای از آیات کتاب خدای عزوجل بیان شده و فرموده است: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» به خاطر آنچه از دست دادید، محزون و ناراحت نشوید، و به آنچه به شما داده سرمست نباشید.» (حدید/۲۳) زهد در زندگی اولیای الهی یعنی بی آلاشی و بنا به فرمایش امیرمومنان علی (علیه السلام) مردم سه گونه اند: زاهد، صابر و راغب. و زاهد در نظر امیرمومنان کسی است که به چیزی از دنیا که به او برسد، شاد نشود و از چیزی از آنکه از دست بدهد، اندوهگین نمی شود. (فتال نیشابوری/۱۳۶۶/۶۸۳) حسن مکاری نقل کرده است: در دورانی که حضرت جواد (علیه السلام) در بغداد بود؛ در نزد خلیفه در نهایت شکوه و جلال به سر می برد من با خود گفتم: دیگر حضرت جواد (علیه السلام) به مدینه برنخواهد گشت. چون این خیال در خاطر من گذشت دیدم آن حضرت سر به زیر افکند، پس سربلند کرد، درحالیکه رنگ مبارک ایشان تغییر کرده بود- فرمود: ای حسین! نان جو با نمک نیمکوب در حرم رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نزد من بهتر است از آنچه در اینجا مشاهده می کنی. کامرانیان /همان به نقل از احقاق الحق/ج۱۲/۴۲۴) پیامبران و اوصیای ایشان اصرار داشتند در زندگی خود بی آلاش باشند. هرچند ساده زیستی به عنوان اصلی ثابت در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان (علیهم السلام) شناخته می شود. اما این اصل در اوضاع و احوال گوناگون و اعصار مختلف، صورت و شکل مناسب زمان را پیدا می کند و براین اساس پیشوایان معصوم با حفظ اصل ساده زیستی مقتضیات زمان خود را در نظر می گرفتند، و زهد و پارسایی و ساده زیستی آنان به معنی پشت پا زدن به دنیا و دوری از مواهب آن نبود، بلکه به معنای اسیر نشدن و عدم دلبستگی به زرق و برق دنیا و عبودیت و دلبستگی به امور معنوی و تقرب به خدا است.

منابع

- ۱- پیشوائی/مهدی/سیره پیشوایان/موسسه امام صادق علیه السلام/۱۳۸۹.
- ۲- جعفریان/رسول/حیات فکری و سیاسی/امامان شیعه/قم/انصاریان/۱۳۷۹.
- ۳- حسینی قمی/سید علی/مناظرات علمی/نشر نصر/۱۳۷۸.
- ۴- ربانی/محمدحسن/اصول ثابت سیره معصومین/نشر بین الملل/۱۳۹۰.
- ۵- راغب اصفهانی/مفردات/مترجم حسین خداپرست/نشر/۱۳۸۵.
- ۶- دلشاد تهرانی/مصطفی/سیره نبوی/نشر دریا/۱۳۸۵.
- ۷- سیاح/احمد/لغت نامه/چ اول/بی تا.
- ۸- صدوق/محمدبن علی/عیون اخبار الرضا/مترجم علی اکبر غفاری/نشر صدوق/۱۳۷۲.
- ۹- طباطبائی/محمدحسین/المیزان/مترجم محمدباقر موسوی همدانی/نشر اسلامی/۱۳۸۸.
- ۱۰- طیب/عبدالحسین/اطیب البیان/نشر دانشکده اصول الدین/۱۳۷۷.
- ۱۱- طباطبائی/سیدمصطفی/فرهنگ تدین/کتابفروشی اسلامی/۱۳۷۷.
- ۱۲- عمید/حسن/فرهنگ لغت/نشر امیر کبیر/۱۳۸۵.
- ۱۳- غروی/طوبی/تاریخ حدیث/نشر ایران/۱۳۸۵.
- ۱۴- فتال نیشابوری/محمدبن حسن/روضه الواعظین/مترجم: محمود دامغانی/نشرنی/۱۳۶۶.
- ۱۵- قمی/عباس/مفاتیح الجنان/مترجم الهی قمشه ای/نشر یاسین/۱۳۸۷.
- ۱۶- کامرانیان/عباسعلی/تحلیلی برزندگی امام جواد/چاپ ظهور/۱۳۸۹.
- ۱۷- کلینی/محمدبن یعقوب/اصول کافی/سیدجواد مصطفوی/نشر فرهنگ اهل بیت/۱۳۷۹.
- ۱۸- محمدی ری شهری/محمد/میزان الحکمه/مترجم حمیدرضا شیخی/دارالحديث/۱۳۷۷.
- ۱۹- مفید/محمدبن نعمان/ارشاد/مترجم رسولی محلاتی/دفتر نشر فرهنگ اسلامی/۱۳۸۶.
- ۲۰- مقدسی/یداله/پژوهشی در تاریخ ولادت و شهادت معصومان/نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی/۱۳۹۱.
- ۲۱- خالقداد هاشمی/مصطفی/توضیح المسائل ترجمه الملل و نحل شهرستانی/نشر اقبال/۱۳۶۱.
- ۲۲- امیری/کبری/تقوی و آثار دنیوی و اخروی آن/پایان نامه سطح ۲/آستان عبدالعظیم حسنی/۱۳۸۹.
- ۲۳- پایگاه جامع قرآن کریم و پورتال انهار.
- ۲۴- نوبختی/فرق الشیعه/ترجمه جواد مشکور/نشر اذر/۱۳۲۵.

